

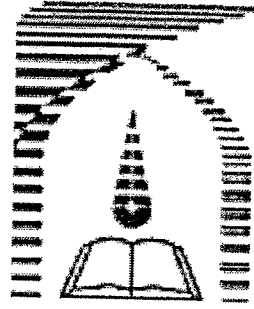
۸۷/۱۱-۱۳۶
۸۷-۶-۷۷

نام

خداوند

جان و خرد

۱۰۵۷۲۱



دانشگاه تربیت مدرس

دانشکده علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته فلسفه (گرایش منطق)

بررسی و نقد نظریه حداقلی "صدق" با تکیه بر آرای پل هوروویچ و آنیل گویتا

هومن محمد قربانیان

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر سید محمد علی حجتی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر لطف‌ا... نبوی

۱۳۸۷ / ۹ / ۱۲


تیر ۱۳۸۷

۱۰۸۷۲۱

تائیدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیات داوران نسخه نهایی پایان نامه خانم آقای هومن محمد قربانیاں تحت عنوان "....." با نیت برای برآوردن میزان کیفیت و ارزش علمی آن را از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و پذیرش آن را برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد پیشنهاد می کنند.

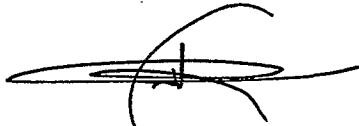
اعضای هیات داوران



۱- استاد راهنما دکتر محمد محمدی حسینی



۲- استاد مشاور دکتر لطف الله بدوی



۳- استاد ناظر دکتر محسن اکبر احمدی ازبکی



۴- استاد ناظر دکتر محمد سعیدی

۵- نماینده شورای تحصیلات تکمیلی دکتر محمد سعیدی

دستورالعمل حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهشهای علمی

دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاستهای پژوهشی دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهشهای علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرحهای تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد ذیل را رعایت نمایند:

ماده ۱- حقوق مادی و معنوی پایان‌نامه‌ها/ رساله‌های مصوب دانشگاه متعلق به دانشگاه است و هرگونه بهره‌برداری از آن باید با ذکر نام دانشگاه و رعایت آیین‌نامه‌ها و دستورالعملهای مصوب دانشگاه باشد.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی می‌باید به نام دانشگاه بوده و استاد راهنما نویسنده مسئول مقاله باشند. تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی دانشگاه باید با مجوز کتبی صادره از طریق حوزه پژوهشی دانشگاه و براساس آیین‌نامه‌های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق حوزه پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این دستورالعمل در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۱۳۸۴/۴/۲۵ در شورای پژوهشی دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب لازم‌الاجرا است و هرگونه تخلف از مفاد این دستورالعمل از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری خواهد بود.

طریق مراجع قانونی قابل پیگیری خواهد بود. ۱۳۸۴/۴/۲۵

صالح محمد زینعلی



بسمه تعالی

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیت های علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱ در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲ در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه)، عبارت ذیل را چاپ کند:

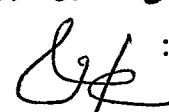

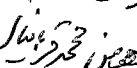
«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد / رساله دکتری نگارنده در رشته
که در سال در دانشکده دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم / جناب
آقای دکتر ، مشاوره سرکار خانم / جناب آقای دکتر و مشاوره سرکار
خانم / جناب آقای دکتر از آن دفاع شده است.»

ماده ۳ به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴ در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵ دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تأمین نماید.

ماده ۶ اینجانب هوش محمد زبانی دانشجوی رشته طبعه - منطق مقطع ارشد تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: هوش محمد زبانی
تاریخ و امضا: 
۱۷/۱۱/۶۴



تقدیم بہ پدر و مادرم

تقدیم و تشکر

باتشکر و سپاس فراوان از اساتید محترم و بلند مرتبه خصوصاً جناب آقای دکتر حجتی،

استاد ارجمند و جناب آقای دکتر نبوی، استاد مشاور بنده در این پایان نامه و جناب

آقای دکتر سعیدی مهر، که این عزیزان همواره مراباراً به نمانی های خودیاری داده و بالاتر

از هر چیز درس اخلاق به من آموختند.

چکیده

طبق دیدگاه سنتی، صدق ویژگی حقیقی و بسیار مهمی می‌باشد. این ویژگی، معمولا به صورت نوعی مطابقت ذاتی میان حامل صدق و جهان واقع تبیین می‌شود، مطابقتی که روشنگر بسیاری از مسایل در تئوری‌های ذهن و زبان است. در روزگار معاصر، برخی از فیلسوفان این سنت را رد و در مقابل آن تئوری‌های فروکاهشی صدق را معرفی کرده‌اند. پل هورویچ یکی از این فیلسوفان است که کتاب مشهور او به نام "صدق"، دفاع کاملی از ایده فروکاهشی و استدلال‌ات کافی مربوط به آن را در خود دارد.

طبق تئوری حداقلی هورویچ، هر نمونه از صورت تعادل (P^* صادق است اما P) یک اصل موضوع برای این تئوری است و مفهوم صدق چیزی غیر از ادراک مجموعه بی‌نهایت از این اصول نمی‌باشد. تمام نقش مفهومی و نظری صدق را می‌توان بر این اساس توضیح داد؛ بنابراین صدق دارای ساختاری پنهان نیست که در اکتشافات آینده آشکار شود، یا دارای ذاتی که در رابطه میان حامل صدق و اجزای جهان واقع نهفته باشد؛ از این رو این دیدگاه می‌تواند در حل بسیاری از مسایل منطق، سمانتیک و شناخت‌شناسی موثر باشد.

آنیل گوپتا به عنوان یکی از منتقدان تئوری حداقلی، معتقد است مفهوم صدق را نباید بوسیله دوشروطی‌ها (صورت تعادل) توضیح داد؛ زیرا آنها نمی‌توانند پایه‌های فهم ما از صدق را نشان دهند. فهم ما از صدق خصیصه‌ای کلی دارد اما دوشروطی‌ها ذاتا جزئی هستند.

در دیدگاه فروکاهشی، محمول صدق دارای نقشی منطقی است که تبیین آن نیازی به فرض ذات برای صدق ندارد؛ صدق در بیان بسیاری از اظهارات، خصوصا زمانی که می‌خواهیم آنها را تعمیم دهیم نقشی مهم ایفا می‌کند که کاملا معادل نقش حداقلی موجود در تئوری هورویچ است.

واژگان کلیدی: تئوری‌های صدق، دیدگاه فروکاهشی، تئوری حداقلی، صورت تعادل.

فهرست

۱	فصل اول: مقدمه و کلیات
۱-۱	مقدمه، معمای صدق
۲	۱-۲ آنچه در این پایان نامه به آن می پردازیم
۷	۱-۳ کلیات
۹	۱-۴ مدعای تئوری حذاقلی
۱۰	۱-۵ مسایل
۱۱	۱-۶ فرضیه‌ها/پیش فرض‌ها
۱۲	۱-۷ مواد و روش انجام تحقیق
۱۲	۱-۸ جنبه جدید بودن و نوآوری
۱۳	
۱۴	فصل دوم: صدق چیست
۱۵	۱-۲ مقدمه
۱۸	۲-۲ در جست و جوی یک تئوری
۲۰	۲-۱-۲ انگیزه توسل به تئوری‌های مختلف صدق
۲۲	۳-۲ حاملان صدق
۲۵	۴-۲ شباهت‌ها و تفاوت‌ها
۳۷	فصل سوم: تئوری‌های صدق
۳۸	۱-۳ مقدمه
۳۸	۲-۲ تئوری مطابقت صدق
۴۱	۱-۲-۳ نقش علی - تشریحی صدق و تئوری مطابقت
۴۲	۳-۳ تئوری هماهنگی صدق

۴۴	۴-۳- دیدگاه پراگماتیکی
۴۴	۵-۳- تئوری اینهمانی صدق
۴۵	۶-۳- آیا صدق امری غیرقابل تحلیل است؟
۴۶	۷-۳- تئوری‌های فروگاهی
۴۷	۱-۷-۳- تئوری زیادتی صدق
۵۲	۱-۱-۷-۳- انتقاد به کلیه تئوری‌هایی که قائل به حذف کامل محمول صدق هستند
۵۳	۲-۷-۳- تئوری اجرایی صدق
۵۴	۳-۷-۳- تارسکی و تئوری‌های فروگاهی
۵۶	۴-۷-۳- نظریه حذف نقل قولی
۵۸	۵-۷-۳- نظریه نایب جمله‌ای
۶۰	۶-۷-۳- تئوری حداقلی صدق
۶۱	۱-۶-۷-۳- دو نوع قرائت مختلف از تئوری حداقلی صدق
۶۳	۸-۳- برخی انتقادات به تئوری‌های فروگاهی
۶۳	۱-۸-۳- انتقاد جکسون، آپی و اسمیت
۶۴	۲-۸-۳- شهود مطابقتی
۶۵	۳-۸-۳- هنجارمندی اظهار
۶۶	فصل چهارم: معرفی تئوری حداقلی صدق
۶۷	۱-۴- مقدمه
۷۰	۲-۴- حامل صدق
۷۵	۳-۴- اصول تئوری حداقلی
۸۳	۴-۴- توضیح مسایل مرتبط با صدق
۹۵	۵-۴- تئوری حداقلی و نسبت آن با برخی پدیده‌های مرتبط، مانند تحقیق‌پذیری، دلالت، اعتبار منطقی و
۹۷	۶-۴- امکان ارایه یک فهرست کامل از اصول تئوری حداقلی

۱۰۱.....	فصل پنجم: گوپتا ، تئوری حداقلی صدق و محتوای فلسفی آن
۱۰۲.....	۱-۵- مقدمه
۱۰۳.....	۲-۵- قرائت گوپتا از تئوری حداقلی
۱۰۶.....	۳-۵- محتوای فلسفی تئوری حداقلی صدق
۱۱۱.....	۴-۵- هدف از تزه‌های سه‌گانه
۱۱۳.....	۵-۵- بررسی انتقادی تئوری حداقلی بر اساس تزه‌های سه‌گانه
۱۱۳.....	۱-۵-۵- بر علیه تز کفایت
۱۱۷.....	۲-۵-۵- بر علیه تز معناداری
۱۱۹.....	۳-۵-۵- تز فروگاهشی
۱۲۰.....	۶-۵- چند نکته
۱۲۳.....	فصل ششم: انتقادات مشهور به تئوری حداقلی صدق
۱۲۴.....	۱-۶- مقدمه
۱۲۸.....	۲-۶- انتقاد اول؛ دونالد دیویدسون
۱۳۰.....	۱-۲-۶- پاسخ هورویچ به انتقاد دیویدسون
۱۳۱.....	۳-۶- انتقاد دوم؛ دونالد دیویدسون
۱۳۲.....	۱-۳-۶- پاسخ هورویچ به انتقاد دوم دیویدسون
۱۳۴.....	۴-۶- انتقاد سوم؛ هارتری فیلد
۱۳۶.....	۱-۴-۶- پاسخ هورویچ به فیلد در مورد محتوا و معناداری استاد صدق به اظهارات
۱۳۷.....	۵-۶- انتقاد چهارم؛ آنیل گوپتا
۱۳۸.....	۱-۵-۶- پاسخ هورویچ به انتقاد گوپتا در مورد صورت تعادل
۱۴۱.....	۶-۶- انتقاد پنجم؛ آنیل گوپتا
۱۴۲.....	۱-۶-۶- پاسخ هورویچ به گوپتا در مورد شبهه متغیر بودن معنای صدق
۱۴۳.....	۷-۶- انتقاد ششم؛ گوپتا و سومز
۱۴۵.....	۱-۷-۶- پاسخ هورویچ به انتقاد گوپتا و سومز

۱۴۶.....	۲-۷-۶- استدلالات هورویج در پاسخ به گوپتا و سومز
۱۴۸.....	۸-۶- انتقاد هفتم؛ ریچارد
۱۴۸.....	۱-۸-۶- پاسخ هورویج به انتقاد ریچارد.....
۱۵۲.....	۹-۶- انتقاد هشتم؛ دامت.....
۱۵۳.....	۱-۹-۶- پاسخ هورویج به انتقاد دامت
۱۵۵.....	۱۰-۶- چند نکته
۱۵۶.....	فصل هفتم: پارادوکس دروغگو
۱۵۷.....	۱-۷- مقدمه
۱۵۹.....	۲-۷- تاریخچه پارادوکس دروغگو.....
۱۶۳.....	۳-۷- رابطه پارادوکس دروغگو و تئوری‌های صدق
۱۶۴.....	۴-۷- پارادوکس دروغگو و پارادوکس دروغگو تقویت شده
۱۶۴.....	۱-۴-۷- نشان دادن ناسازگاری در دروغگوی تقویت شده.....
۱۶۹.....	۵-۷- تئوری حداقلی صدق و پارادوکس دروغگو
۱۷۳.....	۶-۷- چند نکته
۱۷۵.....	فصل هشتم: مفهوم صدق و تاثیر حضور آن بر تئوری‌های معناداری و محتوا
۱۷۶.....	۱-۸- مقدمه تئوری‌های مختلف درباره محتوا؛ یک نمونه
۱۷۸.....	۲-۸- دو دیدگاه متفاوت درباره معنا و محتوا
۱۸۴.....	۳-۸- دیدگاه فروکاهشی - دیدگاه تورمی.....
۱۸۷.....	۴-۸- سمانتیک عملگرهای منطقی در دیدگاه فروکاهشی و غیرفروکاهشی.....
۱۹۰.....	۵-۸- دیدگاه فروکاهشی و اپراتورهای منطقی
۱۹۵.....	فصل نهم: تبیین معناداری در تئوری حداقلی هورویج

- ۱-۹- مقدمه: مثالی از نقش تئوری فروکاهشی در تئوری مفاهیم دیگر..... ۱۹۶
- ۲-۹- معناداری، کاربرد و صدق ۱۹۷
- ۳-۹- دو دیدگاه مختلف به صدق ۲۰۱
- ۴-۹- استدلال کریپکی علیه تئوری کاربردی معنا..... ۲۰۴
- ۵-۹- چگونه کاربرد یک مفهوم می‌تواند مصادیق آن را معین کند ۲۰۶

فصل دهم: تئوری حذاقلی و واقع‌گرایی ۲۱۴

- ۱-۱۰- مقدمه ۲۱۵
- ۲-۱۰- واقع‌گرایی ۲۱۶
- ۳-۱۰- رابطه میان صدق و واقع‌گرایی علمی ۲۱۸
- ۴-۱۰- پل هوروویچ و واقع‌گرایی ۲۱۹
- ۵-۱۰- ضدواقع‌گرایی در نظر هوروویچ و ابطال مدعای آن ۲۲۰
- ۶-۱۰- تئوری حذاقلی صدق و واقع‌گرایی علمی..... ۲۲۱
- ۷-۱۰- تعریف دقیق واقع‌گرایی و مسئله تطابق با جهان - دفاع از تئوری حذاقلی در برابر یک اتهام ۲۲۲
- ۸-۱۰- رابطه صدق و ساختار واقعیت ۲۲۶
- ۹-۱۰- چند نکته ۲۳۰

فصل یازدهم: تئوری حذاقلی و روش‌شناسی ۲۳۱

- ۱-۱۱- مقدمه، تئوری حذاقلی صدق و متدولوژی علوم تجربی..... ۲۳۲
- ۲-۱۱- رابطه میان صدق و تحقیق ایده‌آل ۲۳۳
- ۳-۱۱- تئوری حذاقلی و ارزش ذاتی صدق ۲۳۶
- ۴-۱۱- آیا تئوری حذاقلی می‌تواند نشان دهد که علم به سمت صدق پیش می‌رود؟ ۲۳۹
- ۵-۱۱- نظریه حذاقلی صدق و متدهای علمی ۲۴۰
- ۶-۱۱- آیا ممکن است که علم پایه‌های خود را ویران کند؟ ۲۴۳

۲۴۵.....	فصل دوازدهم: صدق و کذب پذیری
۲۴۶.....	۱-۱۲- مقدمه، آیا تمام جملات صدق و کذب پذیرند؟
۲۴۸.....	۲-۱۲- دیدگاه‌های فروکاهشی و صدق و کذب پذیری
۲۴۹.....	۳-۱۲- دیدگاه حداقلی نسبت به صدق و دیدگاه حداقلی نسبت به صدق و کذب پذیری
۲۵۴.....	۴-۱۲- صورتگرایی
۲۵۵.....	۵-۱۲- انتقاد علیه صورتگرایی
۲۵۶.....	۶-۱۲- نظر هارتری فیلد درباره عدم وابستگی شرایط صدق به الگوهای کاربرد زبان
۲۵۷.....	۷-۱۲- اقامه استدلال علیه صورتگرایی
۲۵۹.....	۸-۱۲- صورتگرایی نظم یافته و صدق و کذب پذیری
۲۶۰.....	۹-۱۲- انتقادات علیه صورتگرایی نظم یافته
۲۶۱.....	۱۰-۱۲- پاسخ طرفداران تئوری حداقلی به انتقادات وارد بر صورتگرایی نظم یافته
۲۶۴.....	۱۱-۱۲- چند نکته

۲۶۵.....	فصل سیزدهم: نتایج
۲۶۶.....	۱-۱۳- مقدمه
۲۶۷.....	۲-۱۳- تئوری حداقلی صدق چیست؟
۲۷۰.....	۳-۱۳- صورت تعادل
۲۷۰.....	۱-۳-۱۳- اجزای صورت تعادل
۲۷۱.....	۲-۳-۱۳- تعادل منطقی
۲۷۳.....	۳-۳-۱۳- تعادل معرفتی
۲۷۸.....	۴-۳-۱۳- تعادل محتوایی
۲۷۸.....	۵-۳-۱۳- تعادل گرامری
۲۸۰.....	۴-۱۳- پارادوکس دروغگو
۲۸۱.....	۵-۱۳- گزاره چیست؟

۱۳-۶- ویژگی چیست؟ ۲۸۲

۱۳-۷- آیا صدق بسیار مهم است؟ ۲۸۳

۱۳-۸- آیا پرونده تئوری حداقلی بسته شده است؟ ۲۸۵

فهرست منابع ۲۸۶

چکیده انگلیسی ۲۹۲

فصل اول

مقدمه و کلیات طرح

۱-۱ - مقدمه: معمای صدق

در دادگاه، شاهدان قسم می‌خورند که جز صدق و راستی و حقیقت چیزی نگویند؛ به نظر می‌آید حاضران می‌دانند صدق چیست و حقیقت کدام است و کسی انتظار ندارد که سخن راست را برای او تعریف کنند. اما در همان حال که دادگاه پیش می‌رود شک و تردید در باره اینکه به راستی سخن راست کدام است و سخن کذب کدام، افزایش می‌یابد. این داستان در دیگر صحنه‌های زندگی نیز تکرار می‌شود و ما در همان حال که خود را از تعریف صدق و راستی بی‌نیاز می‌دانیم، در همان حال نیز به دنبال فهم معنای آن هستیم و هرگاه که بخواهیم آن را تعریف کنیم، معمایی در برابر ما خود نمایی می‌کند.

دلایل پنهان و آشکار بسیاری برای این مسئله وجود دارد. آشکارترین مسئله، ابهام موجود در این واژه است. حتی اگر خود را به محمول یا صفت "صادق" محدود کنیم، باز عباراتی مانند "شاهد صادق"، "اهداف درست" و موارد دیگر هستند که هر کدام جنبه‌ای خاص از معنای واژه "صادق" یا "درست" را آشکار می‌کنند. اما آنچه فیلسوفان در نظر دارند، همان چیزی است که در ابتدای این مقدمه و در مثال دادگاه آمد؛ یعنی منظور از صدق، آن جمله، باور و یا گزاره‌ای است که در گفتار شاهد در دادگاه باید جاری شود. در زندگی روزمره نیز معمولاً "صادق" صفت یک جمله و تصدیق است تا یک تصور.

هرچند این محدود کردن دامنه امور صادق، اندکی امیدبخش است، اما ولتر (Voltaire) می‌گوید:

«در مقیاس انسانی، در همان حالی که صدق را تعریف می‌کنیم، باید منتظر تعاریف بهتر باشیم؛ مثلاً یک عبارت را زمانی صادق بدانیم که حقایق را همانطوری بیان کند که هستند»^۱.

این سخن ولتر را می‌توانیم چنین توضیح دهیم که شاید صدق را بتوانیم به صورت مطابقت گزاره‌ها با امور واقع تعریف کنیم، اما حرکت ما در همین جا متوقف نمی‌شود، زیرا باید مفاهیم «مطابقت» و «امر واقع» را نیز به گونه‌ای تعریف کنیم که از مفهوم صدق استفاده نکند.

از نظر بسیاری، همین اندک بررسی نشان می‌دهد که مفهوم صدق یکی از اساسی‌ترین مفاهیم است و حتی هنگامی که تئوری در باره آن ارائه می‌شود، به طور ضمنی پیش‌فرض قرار گرفته است؛ زیرا فرض بر این بوده است که تئوری مورد بحث صادق است. از نظر این افراد، شاید بتوان برخی مفاهیم، مانند عدالت، را بدون توسل به خود آنها تعریف کرد اما در مورد مفهوم صدق، جریان به کلی متفاوت است.

صدق از جمله مفاهیم معدودی است که رابطه تنگاتنگی با باورها و اندیشه‌های ما دارد. هنگامی که شاهد در دادگاه، باورهای خود را به زبان می‌آورد فرض بر این است که همزمان آنها را صادق نیز می‌داند. به همین صورت، زمانی که اندیشه‌های ما به گفتار در می‌آید صادق بودن آنها برای ما بسیار مهم است. حتی وقتی به اندیشه‌ای تردید داریم، تردید ما در مورد صدق و کذب آن است.

صدق همچنین با دانش و معرفت، پیوسته است؛ تنها گزاره‌های صادق می‌توانند در مجموعه باورهای ما به عنوان معرفت لحاظ شوند. صدق، همچنین در قلب منطقی قرار دارد؛ استدلال معتبر استدلالی است که غیر ممکن باشد که مقدمات آن صادق و نتیجه آن کاذب باشد.^۲ صدق همچنین بسیار به برداشت ما از مفهوم «واقعیت»^۳ مرتبط و متصل است؛ از نظر بسیاری صحبت از صدق همان صحبت از واقعیت است. چنین ارتباطاتی، در جهت تقویت نظر فیلسوفانی است که صدق را بسیار عمیق و مهم می‌دانند.

اما فیلسوفان کدام یک از روابط و مسائل فوق را بیشتر مورد پژوهش قرار می‌دهند؟ بسته به علایق مختلف، گاهی نحوه فراچنگ آمدن صدق یا رابطه صدق با توجیه و معرفت موضوع پژوهش است، گاهی رابطه صدق و زبان و گاهی رابطه صدق با منطق. گاهی ذات و طبیعت صدق وجه نظر است و

^۱ Humanly speaking, let us define truth, while waiting for a better definition, as – a statement of the facts as they are. (Voltaire)

^۲ درباره اینکه آیا قید موجهاتی «غیرممکن» در تعریف استدلال معتبر، لازم است یا خیر، بحث‌های زیادی در

کتابهای فلسفه منطقی آمده است، اما این بحث، خللی در حضور مفهوم صدق در تعریف اعتبار یک استدلال ندارد.

^۳ reality

گاهی نقشی که این مفهوم در گسترش دامنه فهم و معرفت انسانی دارد. در تاریخ فلسفه، خصوصا فلسفه تحلیلی، به تمام این جنبه‌ها پرداخته شده است.

اما به راستی «صدق» چیست؟ و ما از این سوال چه منظوری را دنبال می‌کنیم؟ معمولا هر گاه می‌پرسیم که فلان چیز چیست، دو جنبه مختلف مد نظر ماست. مثلا فرض کنید بپرسیم «طلا چیست؟». ممکن است انتظار داشته باشیم که پاسخ این سوال به ما بگوید که «مفهوم طلا» به چه معناست؛ یعنی واژه «طلا» در زبان فارسی چه معنایی دارد. از طرف دیگر ممکن است بخواهیم که ذات طلا را مورد بررسی و پرسش قرار دهیم و انتظار داشته باشیم که پاسخ سوال به ما بگوید که طلا عنصری است با عدد اتمی ۷۹. البته با اندکی تأمل روشن می‌شود که این دو جنبه چندان نیز از هم متمایز نیستند: مفهومی که ما از طلا در ذهن خود داریم بسیاری از ویژگی‌های ذاتی طلا، مانند زرد بودن را در خود دارد؛ و باز با تأمل بیشتر دیده می‌شود که می‌توان مفهوم مناسب و خوبی از طلا داشت بدون آنکه تمام امور ذاتی آن برای ما مشخص شده باشد.

حال به مورد «صدق» بازگردیم. هنگامی که فلاسفه می‌پرسند صدق چیست، آنها هم گاهی متوجه مفهوم صدق هستند و گاهی ذات آن و گاهی هر دو. در مورد مثال طلا، یک تحلیل جامع از مفهوم طلا (برای مثال، ارایه شرایط لازم و کافی درباره نحوه کاربرد واژه طلا) الزاما مشخص نمی‌کند که ذات طلا چیست و شامل چه ویژگی‌هایی است. اما در مورد صدق چطور؟ آیا می‌توانیم بگوییم تئوری‌های مشخصی در مورد ذات صدق وجود دارد و تئوری‌هایی در مورد مفهوم (معنا و نحوه کاربرد) آن؟ برخلاف طلا، هیچگونه دسترسی تجربی به صدق وجود ندارد و تنها راه بررسی ویژگی و ذات صدق، از مسیر مفهوم آن می‌گذرد. برخی متدهای تحلیل مفهومی وجود دارند که معتقدند می‌توان با تحلیل مفهوم صدق، ذات آن را شناخت^۱، اما مانند مورد طلا، نمی‌توان چنین پنداشت که مطالعه در مفهوم صدق ضرورتا تمام ذات آن را برای ما آشکار کند.

همان طور که روشن است، تردیدی در مورد لزوم پژوهش در مفهوم صدق وجود ندارد، زیرا در همه زبان‌های طبیعی، واژه‌ای معادل آن وجود دارد و واژه مستلزم مفهوم است. اما در مورد ذات صدق می‌توان تردید کرد. اصولا در این زمینه دو گونه سوال اساسی وجود دارد: اول، آیا اصلا صدق دارای ذات، ویژگی و اموری مانند اینها می‌باشد و دوم، اگر چنین است، این ذات از چه جنسی است. این دو سوال، سبب تمایز تئوری‌های صدق از هم می‌شود. (شکل ۱-۱، صفحه ۶)

^۱ یکی از تاکتیک‌های قدیمی در این مورد، مربوط به راسل می‌باشد. از نظر او اگر بتوان گفت که تمام گزاره‌های صادق، F هستند و تمام F ها، گزاره‌های صادق می‌باشند آنگاه می‌توان گفت ذات صدق، F است.

کهن‌ترین بحث‌ها در باب صدق، مربوط به سوال دوم است، یعنی سوال از اینکه ذات صدق از چه جنسی است. معمولاً تئوری‌هایی را که سعی می‌کنند پاسخی برای این پرسش ارائه دهند، تئوری‌های متافیزیکی یا قوی^۱ می‌نامند، زیرا معتقدند که صدق یک ویژگی مهم و اساسی است و تفسیر و توضیحی کامل و پیچیده را می‌طلبد. در چنین تئوری‌هایی، سوالاتی از این قبیل بسیار دیده می‌شود: آیا صدق مطلق وجود دارد؟ یا تمام امور صادق نسبی و سوپژکتیو هستند؟ رابطه گزاره‌های صادق با جهان، چه نوع رابطه‌ای است؟ آیا تمام امور صادق از طریق تجربه حسی قابل حصولند؟ آیا ممکن است بهترین تئوری‌های موجود، روزی کاذب تلقی شوند؟ و بسیاری سوالات از این دست. همانطور که از این سوالات بدست می‌آید، دغدغه اصلی فیلسوفان در اینجا عینیت صدق^۲ می‌باشد. بنابراین کلید اصلی تئوری‌های متافیزیکی یا قوی، واقع‌گرایی است.

اگرچه مسئله واقع‌گرایی همچنان در بحث صدق بسیار مهم می‌باشد، اما در فلسفه معاصر سوال از اینکه آیا اصولاً صدق دارای ذات می‌باشد یا نه، پررنگتر شده است. تئوری‌های فروگاشی، این بحث را یک شبه‌مسئله می‌دانند و معتقدند که یک ذات مشترک و قوی که بتوان آن را در بین تمام گزاره‌های صادق مشترک دانست وجود ندارد. در نتیجه نباید انتظار داشت مفهوم صدق، راهگشای معمای ذات صدق باشد، بلکه عملکرد و کاربرد صدق در زبان می‌تواند جوابگوی تمام مسایل حقیقی در مورد صدق باشد.

اگرچه می‌توان رویکرد متمرکز بر بحث واقع‌گرایی را از رویکرد فروگاشی متمایز دانست، اما در عمل بسیاری از فیلسوفان نتوانسته‌اند مرز دقیقی میان آنها بکشند. دلیل این امر شاید این باشد که هنوز بسیاری از نظرات در باب صدق راضی‌کننده نیست و حتی گاهی هر دو این رویکرد نادرست شمرده می‌شوند و راه‌های جدید برای تفکر درباره این مفهوم قدیمی پیشنهاد می‌شود.

¹ robust

² objectivity of truth